

ویژه نامه روز دانشجو

شماره ۱۱۸، آذر ۱۴۰۱

{سپهر}

نشریه بسیج دانشجویی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

درباره نجات دانشگاه

پرونده زنان

شعار زن زندگی آزادی را پاک نکنید!

پرونده دانشجویی

دانشجو اگر دانشجو باشد

پرونده سیاسی

جنگ جدید صفین، از ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۱

پرونده اقتصادی

از ۱٪، برای ۱٪، بوسیله ۱٪



{سَفیر}

نشریه بسیج دانشجویی دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال پانزدهم، شماره ۱۱۸، آذر ۱۴۰۱

پرونده دانشجویی

● دانشجو اگر دانشجو باشد

● ما عزاداریم

● کنشگری سیب زمینی ها!

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پرونده دانشجویی

دانشجو اگر دانشجو باشد (صفحه ۴)
ما عزاداریم (صفحه ۴)
کنشگری سیب زمینی ها! (صفحه ۵)

پرونده زنان

دو لبه ی تیغ (صفحه ۷)
شعار زن زندگی آزادی را
پاک نکنید! (صفحه ۸)
انقلاب زنانه (صفحه ۹)

پرونده اقتصادی

از ۱ درصد، برای ۱ درصد،
بوسیله ۱ درصد (صفحه ۱۱)
چگونه می توان با ملات ایرانی
ترشی یونانی درست کرد؟ (صفحه ۱۲)
برداشت پول به اندازه سیب زمینی
(صفحه ۱۳)

پرونده سیاسی

نظم نوین جهانی و وضعیت
ایران در این گذر (صفحه ۱۵) قطعه نامه شورای حکام
جنگ جدید صفین (صفحه ۱۶) جنایات و مکافات (صفحه ۱۸)
ایران و چین؛ رابطه ای
مطلوب یا مغضوب؟ (صفحه ۱۷) تو طرفدار ملت ایرانی؟
(صفحه ۱۹)

{سَفیر}

نشریه بسیج دانشجویی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال پانزدهم، شماره ۱۱۸، آذر ۱۴۰۱



صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
مدیر مسئول: محمد عسکری
کرمانی

سر دبیر: سید رسول حسینی نیا
هیئت تحریریه: خانمها: رضایی،
نوشت، خدایی، صادقی،
شجاعی و ایزدی
آقایان: ملکی، عربی، سبحانی
لاری، سعیدان نژاد، مهرراد،
اشرف گنجویی، خراسانی،
رادمرد و اسدی

طراح و صفحه آرا: خانه هنرمندان
بسیج دانشجویی

فضای مجازی: @nashrie_safir

مطالب هر بخش
صرفاً دیدگاه شخصی
نویسنده می باشد
و مواضع بسیج دانشجویی
جداگانه اعلام می گردد.



دانشجو اگر دانشجو باشد

■ رضایی

«دانشگاه و حوزه‌های علمیه و روحانیون می‌توانند دو مرکز باشند برای تمام ترقیات و تمام پیشرفت‌های کشور و می‌توانند دو مرکز باشند برای تمام انحرافات و تمام انحطاطات. از دانشگاه هست که اشخاص متفکر و متعهد بیرون می‌آید. اگر دانشگاه، دانشگاه باشد، اگر دانشگاه واقعاً دانشگاه باشد و دانشگاه اسلامی باشد؛ یعنی در کنار تحصیلات متحقق در آنجا، تهذیب هم باشد، تعهد هم باشد، یک کشوری را اینها می‌توانند به سعادت برسانند. و اگر حوزه‌های علمیه مهذب باشند و متعهد باشند، یک کشور را می‌توانند نجات بدهند. علم تنها اگر ضرر نداشته باشد، فایده ندارد» امام خمینی (ره). دانشجو اگر دانشجو باشد به عنوان قوه محرکه، پیش برنده و جهت دهنده عمل خواهد کرد. از اصلی ترین مسؤلیت های دانشجو، تلاش برای فهمیدن و تفکر است. یک دانشجو باید بصیرت داشته باشد، تا بتواند هوشمندانه برعملکرد ها نظارت داشته باشد. باید نقاد باشد، آن هم نقد دلسوزانه! نقدی که موجب حرکت ما از وضع موجود به وضع مطلوب باشد. البته باید از وضع مطلوب مورد نظر تعریف صحیحی داشته باشیم. وضع موجود ما اینگونه نیست که بگوییم کاملا اشتباه و غلط است، بایستی مشکلات به درستی ریشه یابی و مطالبه شود. وضع مطلوب ما حل نقص ها و برطرف کردن نقاط ضعف است، حرکتی روبه جلو به سمت پیشرفت. دانشجو باید به یک فهم و آگاهی برسد، تا در موقعیت های حساس به افکار عمومی جهت دهد و به عنوان یک عامل تاثیر گذار در صحنه حضور یابد. لازمه ای امر خودجوشی در بحث اندیشه ورزی است. نسبت دختران درکل دانشجویان، از حدود ۲۵درصد دردهه ۵۰، به بیش از ۵۰ درصد

ما عزاداریم

■ نوشت

عزاداری ما یعنی لباس سیاه تن مان برای دختر کوچک بر مزار مادرش و دخترکان دیگر، یعنی سیاه می پوشیم و سیاه می پوشیم برای روز ها و هفته ها اما اگر برای جاری شدن خون بر قلب فارس سیاه بر تن دانشگاه پوشانیدید، احساس افسردگی کرده و اعتراض می کنیم .

عزاداری ما یعنی تولد و عروسی رفتن هایمان را عقب نمی اندازیم اما به جشن و مراسم انجمن ها نمی اییم.

عزاداری ما یعنی شعار آزادی دادن هایمان .

برای آزادی می جنگیم اما اگر مخالف ما گفتید...میگشیم ، چادر و روسری و مقنعه پوشیدید... می کشیم ، مغازه ها را تعطیل نکردید... تهدید می کنیم ، و آزادی زوری مان را خواستید... می زنیم ! عزاداری ما یعنی دانشگاه را برای برد تیم حریف شکلات می دهیم اما اگر برای برد تیم ملی شادی کردید هشتگ به نافع تان می بندیم . عزاداری ما یعنی در طول هفته هیچ یک از غذاهای ارزان دانشگاه را از دست نمی دهیم و چهارشنبه که شد به سلف حمله می کنیم .

عزاداری ما یعنی کلاس ها را تعطیل می کنیم ، در حال سر دادن آزادی بقیه را مجبور به نیامدن کرده و اگر کسی از زیر یوغ مان در رفت و به کلاس آمد برایش ساندیس پرت می کنیم و دوباره شعار هر کسی آزاد است را سر می دهیم .

عزاداری ما یعنی در کلاس ، سلف ، محیط دانشگاه و غیر دانشگاه مقنعه نمی خواهیم و به شما چه مربوط؟ اما اگر چادر را محکم تر سر کردید و انگشتر عقیق و سرپند باعلی بپوشید به ما مربوط است.

عزاداری ما یعنی یکی مان آزادی می خواهد ،دیگری حتی نمی تواند آزادی را تعریف کند و ان طرف تر اصلا مشکل کسی آزادی نیست و عزای اقتصاد به تن دارند.

عزاداری ما یعنی با چاقو به جان پلیس و فرزندانمان افتادن و کور کردن نوزاد شش ماهه ی مادر چادری اما اگر برای سرکوب مان از باتوم استفاده کردید شما ظالمید .

خلاصه که

ما عزاداریم...

این قسمت

کنشگری سیب زمینی ها

با احترام به سیب زمینی ها!

■ ملکی

کنشگری یعنی سیب زمینی نبودن یعنی در برابر اتفاقات و پدیده ها واکنش نشان دادن. یک سیب زمینی را تصور کنید! سیب زمینی هم در مواجه با پدیده های اطراف و مرتبط خود واکنش نشان می دهد. به عنوان مثال سیب زمینی در مواجه با پدیده سردی هوا دچار سرمازدگی می شود.

آقای نویسنده همین اول کاری به تناقض رسیدی که!

نه خیر آقا جان! تفاوت کنشگری سیب زمینی و کنشگری انسان در این است که کنشگری سیب زمینی بر اساس ذاتی است که خداوند برای سیب زمینی قائل شده است . کنشگری انسان هم بر اساس ذاتی است که خداوند برای انسان قائل شده اما انسان ذاتاً دارای قدرت فکر کردن است . سیب زمینی فکر نمی کند که چون هوا سرد شده است به نشانه اعتراض دچار سرمازدگی شود. اما انسان باید برای هر کاری که می کند فکر کند . چرا؟ پاسخ یک جمله است . چون انسان سیب زمینی نیست.

تا اینجا به این نتیجه رسیدیم که انسان برای سیب زمینی نبودن باید برای کار های که میخواید انجام دهد فکر کند.

پس دانشجو چطور ؟دانشجو نه تنها انسان است و باید از قوانین انسانی پیروی کند بلکه با ادعای اینکه دانش می جوید وظیفه دارد که فکر کند .

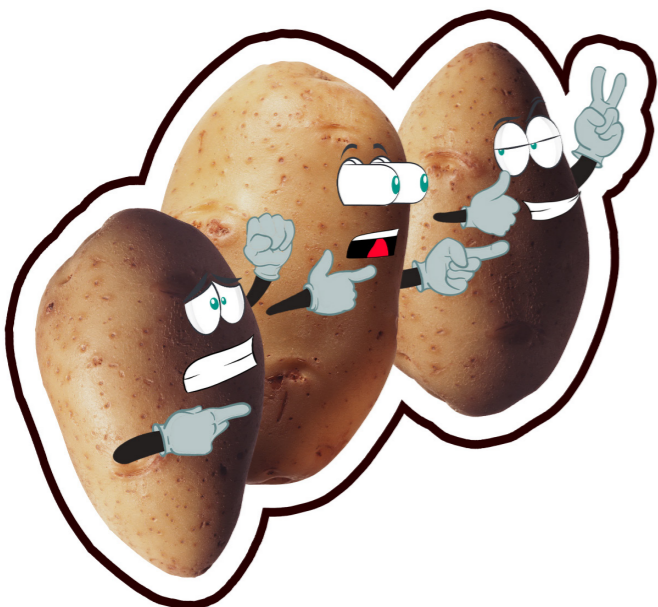
اما چطور فکر کند و در چه سطحی فکر کند ؟ اصلا سطح فکر کردن چه اهمیتی دارد ؟ و سطح فکر کردن یعنی چه ؟

مسئولی را تصور کنید که فقط می تواند تا

یک سال آینده را ببیند و وظیفه دارد مشکل کمبود بودجه را حل کند احتمالاً راهکار اولیه او چاپ پول و قرض کردن از بانک مرکزی باشد. در کوتاه مدت جواب می دهد اما در آینده چه می شود؟ کشور را در چند سال آینده دچار بحران افزایش نقدینگی می کند . آیا این مسئول فکر کرده ؟ بله . در چه سطحی فکر کرد ؟ در سطح دوران مدیریتش و زمان بعد مدیریت را به خدا واگذار می کند. سطح فکر کردن در کنش های اجتماعی و سیاسی چقدر است ؟ برای این پاسخ باید به عمق پدیده رجوع کرد . امروز دعوای دنیا بر سر حقوق بشر نیست . بر سر خود بشریت است . جنگ امروز دنیا بر سر تعریف انسان و بشر است . امروز بعضی ها در تلاشند که اعمال و صفاتی را که حتی در شأن حیوان هم نیست به انسان نسبت دهند . ذات انسان این مدل آزادی و برهنگی غربی را نمی پذیرد.

طبیعت دانشجو مطالبه گری است . اما مطالبه به چه هدفی ؟ به هدف نرفتن سر کلاس درسی ! مگر نه اینکه کار باید اثر گذار باشد و اگر نباشد بیهوده زمان صرف کردن است. امروز نقد های جدی به وضعیت اقتصادی کشور وارد است . حالا اگر ما برای مطالبه به حق مان که درست شدن وضعیت اقتصادی است به خیابان بیاییم و خیابان ها را به آتش بکشیم این مدل مطالبه چه اثری خواهد داشت به جز بازسازی سکانس های آخر فیلم جوکر !

در رسانه پیام یعنی برداشت گیرنده یعنی تغییر و تحول در گیرنده یا جامعه . یک سوال، پیام حادثه سلف خواهران دانشگاه در روز



چهارشنبه چهارم آبان ماه چه بود؟ بعد از این به اصلاح اعتراض مدنی اهداف معترضین به ثمر رسید ؟ خیر، نه تنها سلف مختلط ایجاد نشد بلکه به همت مسئولین در حال حاضر برای صرف غذا باید به سلف انتهای دانشگاه (در جوار زمین های کشاورزی) مراجعه کنیم . در این ایام شاهد کنشگری هایی از طرف انسان ها بودیم که منطق خودشان را زیر سوال می برد. مثلاً معترضین:

- در اعتراض به برخورد ناشایسته با یک خانم، به یک زن هتک حرمت می کنند.
- در اعتراض به نداشتن امنیت از سمت نیروی های امنیتی، امنیت یک کشور را به خطر می اندازند.
- در اعتراض به مشکلات اقتصادی ، به بیت المال آسیب می زنند.
- در اعتراض به آزادی ، چادر از سر یک خانم می کشند
- در اعتراض به احترام گذاشتن افکار خودشان ، اعتقاد های یک ملت را به آتش می کشند.
- و...

این تناقضات در کنشگری به دلیل این است که کنشگری این افراد از نوع کنشگری سیب زمینی است یعنی برای اعمال و افعال و کنش ها فکر نمی کنند . و بر اساس تغییرات محیطی واکنش نشان می دهند. و بیندیش که قدرت رسانه ای مقابل چطور شصت روز با دروغ ، فریب و تناقضات پیش رفته ، اجازه کنشگری انسانی را از انسان سلب می کند. و هنوز گروهی متوجه این نمایش خیمه شب بازی دشمن و این جشن مستانه دشمن که عقل و هوش از سر می پراند نیستند.



دولبه‌ی تیغ

■ خدایی

جنبش دانشجویی در کشور ما تاریخی نه چندان دور دارد؛ و همیشه ضد سلطه و ضد استکبار و به شدت عدالت خواه بوده است. این اهداف از روزهای آغازین شکل‌گیری دانشگاه‌ها تا به امروز پرتنگ بوده و اگر کسی مدعی جنبش دانشجویی باشد و این هدف‌ها را در پی نداشته باشد گویی کنش او بر محیط عقلائی دانشگاه صدق نمی‌کند.

در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ اتفاقی افتاد از جنس خون، خونی که از بدن‌های بی‌گناه دانشجویان عدالت خواه ریخته شد. این حادثه بعد از کودتای سخت و عجیب ۲۸ مرداد اتفاق افتاد؛ که باعث سکوت در کشور شده بود. ناگهان توسط دانشجویان سروصدایی بر پا می‌شود. زمان اعتراضات فرا رسیده بود نه در ۱۶ آذر بلکه چندی قبل از این روز؛ دانشجویان به سکوت پسند نکرده بودند و دانشجویان دانشکده‌های حقوق و علوم سیاسی، علوم، دندانپزشکی، فنی، پزشکی و داروسازی در دانشکده‌های خود، تظاهرات پرشوری علیه رژیم کودتا برپا کردند و رژیم با تمام قوا متوجه دانشگاه شده بود. روز ۱۵ آذر تظاهرات به خارج از دانشگاه کشیده شد و مأموران انتظامی، در زد و خورد با دانشجویان، شماری را مجروح و گروهی را دستگیر و زندانی کردند. صبح روز ۱۶ آذر؛ زمانی بود که نیروهای امنیتی وارد کلاس‌ها شدند و اسلحه‌ها را به سمت دانشجویان گرفتند؛ اما دانشجویان از کشته شدن هراسی نداشتند؛ حتی یکی از آنها با بغضی که در گلویش بود شعاری داد که همان شعار باعث پایانش می‌شود. نقش زن‌ها در این جنبش‌ها بسیار دیدنی است. در سال ۱۳۳۲ زن‌ها در این جنبش دانشجویی نقش کمرنگ تری داشتند ولی همچنان برای نقش خود در جامعه تلاش می‌کردند و تظاهراتی نیز برای گرفتن حق و حقوقشان که از دوران مشروطه به دنبال آن بودند انجام می‌دادند که توانستند حق‌شان را به تنهایی بگیرند؛ همان حقوقی که از آنها بابت زن بودنشان سلب شده بود جنبش‌های زنان از دوره مشروطه شروع به شکل‌گیری کرده بود که تفکر نابرابری بین زن و مرد باعث شد که زن‌ها به دنبال اثبات

هویت زنانه خود باشند که برای اثبات این هویت و گرفتن حقوق فردی و اجتماعی خودشان تلاش‌های بسیاری کردند. سرانجام بعد از بیست سال در سال ۵۷ در آغازین روزهای انقلاب اسلامی توانستند حقوق خود را تا حدود زیادی محقق کنند. در این جنبش‌ها همه زنان چه موافق، چه مخالف نقش آفرینی کردند، جنبش‌های صورت گرفته در آن سال‌ها با حضور زنان در جنبش‌های دیگر متفاوت است جنبش‌های زنان در حوزه برابری بین مرد و زن بود و بقیه جنبش‌ها در حوزه برابری حقوق سیاسی بوده است اما نکته قابل توجه این است که هر دو به دنبال برابری بودند. در ۱۴۰۱ چه اتفاقاتی افتاد؟ همراه با شروع سال تحصیلی دانشگاه‌ها، تنشی به جامعه دانشجویان و دانشگاه‌ها وارد شد، دقیقاً روندی طی شد که دانشجویان در این خیزش سراسری شرکت کنند، دانشجویان دانشگاه‌های مختلف چه دولتی و چه غیر دولتی، همراهی خود را با این جنبش آغاز کردند. شاید بتوان گفت این جنبش از دانشگاه شریف آغاز شد و به همراه تخریب و به هم زدن دانشگاه ادامه یافت و در روزهای بعد هم در دانشگاه‌های سراسر کشور اتفاق افتاد. در سال ۱۴۰۱ اصل، مسئله زن است؛ اما کدام زن؟ همان زن‌هایی که خودشان به میدان می‌روند یا دنباله روی افرادی هستند که از آزادی زن چیزی جز شعار نمی‌دانند هستند؟ زنان اگر بخواهند حقوق خود را بگیرند، می‌توانند؛ اما چه کسی از این جنبش‌ها سود می‌برد آنها یا دشمن؟ زن یا سودجویان پشت‌مرز نشین؟ در سال ۱۳۳۲ هدف دانشجویان مستقل شدن بود؛ آنها به دنبال انقلابی بر اساس مبانی اسلامی بودند؛ انقلابی از جنس کوتاه کردن دست دشمن از کشورشان، مستقل شدن و بدون وابسته بودن به دستاوردهای کشور‌های دیگر، آنها هدفشان بیرون کردن افرادی

از کشورشان بود که آزادی را برایشان تلخ کرده بودند و با دشمن، هم‌پیمان شده بودند؛ آنها با نیکسون مخالفت نکردند بلکه با اصل آمریکا و منفعت‌هایش مخالفت کردند اما در ۱۴۰۱ هدفشان چیز دیگری است، در کنار مطالباتی که به حق دارند، اما دشمن‌جویی برآنان القا کرده است که اهداف و مطالباتشان را پایین آورده و آزادی‌ای است که بوی آزادی فطری نمی‌دهد. بوی «هرکس هرکار می‌خواهد بکند» می‌دهد؛ انگار هدفشان این است که به دوران قبل برگردند و با همان جریان‌های سنتی و روشنفکرانه روزگار سپری کنند. حال، ممکن است بگویی که ما هم ضد سلطه و استبداد هستیم اما باید گفت کدام سلطه؟ آیا تا به حال دیده‌اید که در کلاس درس نشسته باشید و اسلحه روی سرتان بکشند؟ خانواده‌تان را به اسارت ببرند؟ حق تحصیل و معاش نداشته باشید؟ آری هر دو گروه، هر دو دانشجو بودند؛ نقطه‌ی مشترکشان هم انقلاب است؛ اما فرقی فقط در مبانی آن است که دانشجویان ۱۳۳۲ با مبانی فکری و آرمان‌های قوی، دنبال انقلاب بودند؛ اما انگار دانشجوی امروز می‌خواهد بعد از انقلاب، به مبانی فکری خود برسد. اگر ضعف‌های داخلی هست باید گفت راه درستش را از طریق مطالبه و پیگیری‌های مکرر و تلاش و اراده خود جامعه دانشجویی باید پیدا کرد و تسهیل کرد. یقیناً جمهوری اسلامی با مردم و دوستدار مردم است؛ و طرفدار جدی حقوق و کرامت زن. فراموش نکنیم جامعه‌ی نخبگانی باید با هم و برای رشد میهن تلاش کند. انقلابی که بر پایه‌ی مقابله با ظلم است؛ یقیناً بهترین راه است. بهترین راه برای بروز حضور اجتماعی زن. همان‌طور که زن در اجتماع با ظهور انقلاب، رشد کرد و توانست به بهترین شکل تحصیل کند و فعالیت کند و تمام استعداد‌های بالقوه‌اش را بالفعل کند.

سفر

نشریه بسیج دانشجویی دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال پانزدهم، شماره ۱۱۸، آذر ۱۴۰۱

پرونده زنان

● دولبه‌ی تیغ

● زن زندگی آزادی را پاک نکنید

● انقلاب زنانه

شعار زن زندگی آزادی را پاک نکنید!

■ صادقی

یکم: شعار می دهند ؛ زن ، زندگی، آزادی... دوم: به یکی از دوستان دانشجو گفتم این شعار «زن زندگی آزادی» بسیار هم شعاری خوبی است؛ پس چرا پاک می کنند ؟ سوم: مگر این شعارها را چه کسی گفته یا از کجا آمده؟ تا آنجا که به خاطر دارم اول شخصی که گفتمان این شعار را راه انداخت ؛ امام خمینی بود.

رهبر انقلاب اسلامی؛

حال بعد از چهل و چندی سال این شعار گفته می شود ولو در مصداق اشتباهش . گویا این ها این روزها در مصداقیق این شعار دچار خطا شده اند.

چهارم: انقلاب ۵۷ یاد داد که زن حرمت و کرامت و احترام دارد و ابزاری برای سوداگری و لذت مردان و وسیله ای برای هوس پرستی جامعه نیست.

همانطور که امام خمینی می گوید: زن مبدا خیرات و کمالات است. زن انسان ساز است ... وگرنه محمد رضا شاه که زن را عروسکی برای لذات جنسی خود تلقی می کرد؛ او که در مصاحبه ای با خبرنگار ایتالیایی در سال ۵۲ اینگونه می گوید:

در زندگی یک مرد، زن به حساب نمی آید؛ مگر وقتی که زیبا و دلربا باشد و خصوصیات زنانه خود را حفظ کرده باشد.

پنجم: حضور اجتماعی زن به واسطه انقلاب ۵۷ جوشش گرفت و نمایان شد ؛ آن طور که امام خمینی می گوید: در این انقلاب اسلامی نقش شما بانوان از نقش مردها بالاتر بود.

تحقیق شعار «زن زندگی آزادی» نیز در انقلاب بود؛ بانوان ما محتوای حقیقی «زن زندگی آزادی» را سردست گرفتند و در اوج حیا و عفت، بالاترین افتخارات را به ارمغان آوردند و نشان دادند که می شود زن بود و عقیف بود و در متن و مرکز بود و استعداد ها را شکوفا کرد و درخشید.

همان طور که آمارهای بین المللی هم گواهی این مدعاست.

-رشد ۵برابری حضور بانوان در ورزش های بین المللی

-افزایش اساتید زن در دانشگاه ها

-افزایش امید به زندگی بانوان در ایران از

۱ نفر از هر ۵ زن آمریکایی -صورت گرفتن ۲۹.۹ درصد از تجاوزات جنسی بین سنین ۱۱ تا ۱۷ سالگی - صورت گرفتن ۸درصد از تجاوزات در محل کار -مورد تعرض قرار گرفتن ۱ نفر از هر ۵نفر دانشجوی زن در دوران تحصیل خود ...

البته ناگفته نماند؛ علی رغم تمام این شکوفایی هایی که انقلاب اسلامی برای زن به حاصل آورد؛ خواسته و ناخواسته ، غفلت ها و کم کاری های برخی از مسئولین و البته مردم هم بوده که موجب شده بغضا «زن جامعه ی ایرانی» از شناخت هویت حقیقی خویش مغفول بماند و بعضا آن طور باید و شاید ، توانایی های ذاتی اش را به عرصه عمل نرساند؛ اما حقیقتا آنچه که اکنون برآیند انقلاب اسلامی در حوزه ی «زن» است؛ ستودتی است.

ششم: منطقی می گویم ؛ «زن زندگی آزادی» با بی اعتنایی به مرگ «شیلر رسولی » و کشته شدن «همسر محمد علی نجفی» همراه نیست .

مگر این ها زن نبودند ؟ با کتک زدن و هتک حرمت همسر و دختر شهید «خادم صادق «همراه نیست .

با بی احترامی به همسران «شهدای امنیت» و «نیرو انتظامی» همراه نیست .

این «زن زندگی آزادی» گویی این روزها بوی نفاق می دهد .

هفتم: زن زندگی آزادی به قیمت جان شهدای شاهچراغ و ایذه، به قیمت هرزگی و ابتذال، به قیمت هشتگ های ممنوعه، به قیمت جان آرمان و خانواده آرتین و آرشام و علی اصغر و محمد رضا و کیان...نه بوی ارزشمندی به زن می دهد؛ نه بوی آزادی میدهد؛ نه بوی زندگی .

هشتم: این شعار «زن زندگی آزادی» این روزها برای من تداعی ناامنی است ؛ تداعی خفت و خواری است .

تداعی آمارهای تکان دهنده ی غربی است ؛هم چون:

-تجربه ی در معرض تجاوز قرارگرفتن تقریباً

انقلاب زنانه

■ شجاعی

حقیقت امر این است که دانشجوی امروز مطالباتی دارد که درست یا غلط، اما او را از گوشه ی کلاس های درس به صحن دانشگاه کشانده. دانشجویی که از برجسب های سیاسی فراری بود ، امروز در دل سیاست زدگی هاست! سیاست هایی که در قالب تفکرانی لحظه به لحظه بر ذهن او وارد میشود و اصلی ترین بحث شان هم شاید آزادی زن است ! کلید واژه ی پرنگ این روزها! به راستی این جنبش دانشجویی درست است؟ تعریف درست آن چیست ؟ نقش دختر دانشجو در این میان چیست؟! مگر نه اینکه دعوا بر سر آزادی اوست؟

بگذارید از تعریف ها شروع کنیم؛ شاید بتوان گفت: دانشجوی سیاسی مطلوب به کسی اطلاق می شود که در دانشگاه به درجه بالایی از بینش و درک سیاسی رسیده، در قبال سرنوشت خود، جامعه و مسائل سیاسی، حساسیت لازم را داشته باشد. پس فارغ از جنسیت ، هم خانم و هم آقا در نقش دانشجویی می تواند یک دانشجوی سیاسی مطلوب باشد. از گذشته تا کنون ایران صحنه مبارزات و مطالبات سیاسی بوده است. از جنبش های دانشجویی در سال های متمادی گرفته تا اعتراضات مردمی و ... در زمان انقلاب و در پس جنبش های دانشجویی و انقلاب مردم، این زنها بودند که نقش بسیار مؤثری ایفا کردند. گستردگی و کیفیت و مشارکت فعالانه و متعهدانه این قشر در لحظات حساس و سرنوشت ساز ملت در انقلاب اسلامی، بی سابقه و در جهان بی نظیر است. پس از فرمان تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی همسران ناصرالدین شاه به شکستن قلیان ها اقدام کردند و در نهضت انقلابی جنگل زنان خطه گیلان با کمک های مادی و معنوی خویش مبارزان را یاری رساندند، تا آنها در انجام وظیفه خود ترسی به دل راه ندهند، مقاومت زنان مسلمان در توطئه کشف حجاب و به پاکردن تظاهرات بزرگ در مشهد و اعتراض به این وضع هرگز از خاطره ها محو نمی گردد. ولی نقش زنان در صحنه های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بسیار فعالانه تر و قوی تر از هر زمان دیگری بود. این روند به قبل از انقلاب ختم

نمی شود. کم کم صدای انقلابی عظیم به گوش می رسد، و صحنه های مبارزه و تلاش، بردباری خانواده های انقلابی در برابر انبوه مشکلاتی که رژیم ستمگر شاه برای آن ها پیش می آورد، ترغیب و تشویق همسران و پسران و مجاهده و تلاش در سرنگونی طاغوت به چشم می خورد. در این میان، صبوری مادران داغدیده که جوانهای خود را در صحنه تظاهرات و راهپیمایی ها از دست می دادند و هیچ شکایتی نداشتند از اموری است که نمی توان همانندی برای آن در جنبش های

در پس این پرده وجود یک مادر یا همسر نقش آفرین و مقتدر را خواهید یافت، اما این آن چیزی نیست که به مذاق بعضی ها خوش بیاید! برنامه پشت برنامه، نقشه پشت نقشه، تا این موتور محرک را خاموش کنند. به زعم آنها اگر بتوانند زن را که پرچم دار جریانات است به ابتذال بکشانند، می توانند شرایط را، سرزمین را به نفع خود تغییر دهند. سلطه گران به خوبی می دانستند که خواهند توانست از طریق نفوذ و هجوم بر افکار زنان، اجتماع را به ابتذال بکشند و قوه محرکه جامعه را سست و ناتوان و بی اثر سازند. شعارهای فریبنده، زن را در لجنزار سیاسی اهداف شوم خویش قرار داد و از او تنها به عنوان یک وسیله تعیش و ابزار تبلیغاتی ضد اخلاقی بهره جست.

زنان ابزار دست خیمه گردانان سیاسی شدند برای رسیدن به اهداف سیاسی آنها، نه صرفا برای احیای حقوق زن. این شعارهای فریبنده، زنان و مردان، دانشجو و بزرگسال را بیدار کرد. دانشجو کنشگری را آغاز کرد. کنشی که با شعارهایی آغاز شد، شعارهایی که هم حرفند هم عمل. مسئله ی زن، مسئله ی امروز نیست، نقد به شرایط زن هم، نقد اکنون نیست، نقد بسیار و راه های موجود متفاوت. راه پیش روی امروز در مسئله ی زن، راهی نیست که به ارزش گذاشتن به زن ختم شود. کنشگری کاغذ باریکی است که اگر دست را ببرد سوزش آن از تیغ هم بدتر است. حضور سیاسی و کنشگری بانوان نه تنها قابل اغماض نیست بلکه قابل تحسین است اما راه و کنشی پیش برنده ی آن باشد که هویت و شخصیت اصیل او را نلرزاند.



از ۱٪، برای ۱٪، بوسیله ۱٪

عربی

فقط مربوط به کشور ما و عقاید ما نیست. ژوزف استیگلیتز، نوبلیست اقتصاد، مه ۲۰۱۱ در مجله ونیتی فیر مقاله‌ای دارد به نام «از ۱٪، برای ۱٪، بوسیله ۱٪» که بخشی از آن را در ادامه می‌خوانیم:

«... فایده‌ای ندارد وانمود کنیم که آنچه آشکارا اتفاق افتاده است در واقع اتفاق نیافتاده است. ۱ درصد بالای آمریکایی‌ها در حال حاضر تقریباً یک چهارم از درآمد کشور را هر سال بدست می‌آورند. از نظر ثروت به جای درآمد، ۱ درصد برتر ۴۰ درصد را کنترل می‌کنند. سهم آن‌ها در زندگی بطور قابل توجهی بهبود یافته است. ۲۵ سال پیش، ارقام مربوطه ۱۲ درصد و ۳۳ درصد بود. یکی از پاسخ‌ها می‌تواند این باشد که از نیوغ و انگیزه‌ای که برای این مردم خوشبختی به ارمغان آورد، تجلیل کنیم و ادعا کنیم که جزر و مد بالا همه قایق‌ها را بالا می‌برد. این پاسخ اشتباه خواهد بود، درحالی که ۱ درصد بالا در دهه گذشته شاهد افزایش ۱۸ درصدی درآمد خود بوده‌اند، آنهایی که در وسط قرار دارند در واقع شاهد کاهش درآمد خود بوده‌اند. برای مردانی که فقط مدرک دبیرستان دارند، این کاهش شدیدتر بوده است...»

اصل ۴۳ قانون اساسی: «برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۱- تأمین نیازهای اساسی، مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲- تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره به هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به‌صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

۹- تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.»

حال باید نگاه کنیم و ببیندیشیم که چه مقدار از شرایط کشور حداقل مطابقت با همین یک اصل قانون اساسی دارد! راهی که ما در برهه‌های از زمان در آن قدم گذاشتیم که به خیال خودمان به پیشرفت غرب نزدیک شویم، در خوشبینانه‌ترین حالت سایه‌ای از راه غرب بوده. این اصل و دیگر اصل‌های قانون اساسی کجا و راه سرمایه‌داری کجا؟! اما این

بیمارستان خصوصی، مدرسه غیرانتفاعی، مطب دندانپزشکی لوکس و... وجه اشتراک همه این‌ها پول و سرمایه است و دو روی یک سکه را تشکیل می‌دهند. یک روی آن برمی‌گردد به اینکه هر کس سرمایه کافی را داشته باشد می‌تواند بطور مثال بیمارستان بسازد و از آن درآمد کسب کند. روی دیگر برمی‌گردد به اینکه بطور مثال اگر کسی پول داشته باشد می‌تواند بهترین درمان، بهداشت، تغذیه، آموزش و... را در اختیار داشته باشد.

سوال مهمی که اینجا مطرح می‌شود این است که آیا همه مردم می‌توانند این شرایط را داشته باشند؟ آیا همه مردم می‌توانند شرایط ساخت یک مدرسه را برای کسب درآمد کسب کنند؟ آیا همه مردم می‌توانند بهترین بهداشت، بهترین آموزش و... را در اختیار داشته باشند؟ سوالی مهم تر، آیا زندگی، فکر، اندیشه و... یک ملت می‌تواند در اختیار یک عده سرمایه‌دار باشد؟

در طول تاریخ پزشکان به عنوان قشر تأثیرگذار و محبوب جوامع مختلف انسانی شناخته می‌شوند، آنها در طول تاریخ توانسته‌اند همواره مرهمی بر درد انسان‌های رنج کشیده باشند اما اکنون که تفکر سرمایه‌داری بر جوامع بشری حکم فرما شده است آیا برای شما باورپذیر است که متن زیر بخشی از سوگند نامه یک پزشک در ایران است؟

«... همواره حدود الهی و احکام مقدس دینی را محترم شمرم، از تضییع حقوق بیماران بپرهیزم و سلامت و بهبود آنان را بر منافع مادی و امیال نفسانی خود مقدم بدارم...»

قانون اساسی کشور به عنوان مهم‌ترین سند قانونی لازم‌الاجرا برای همه افراد و دستگاه‌های حکمرانی کشور است. اما اعمال سیاست‌های برخاسته از تفکر سرمایه‌داری در سال‌های گذشته، چه میزان توانسته است که اصول قانون اساسی را تحقق ببخشد؟ بخشی از

سفر

نشریه بسیج دانشجویی دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال پانزدهم، شماره ۱۱۸، آذر ۱۴۰۱

پرونده اقتصادی

● از ۱٪، برای ۱٪، بوسیله ۱٪

● چگونه می‌توان با ملات

ایرانی ترشی یونانی درست

کرد؟

● برداشت پول به اندازه

سیب زمینی



کژتابی مفهومی در دولت‌سازی ایرانی «چگونه می‌توان با ملات ایرانی، ترشی یونانی درست کرد؟!»

■ سیدان نژاد



ترشی یونانی، ملات ایرانی دارد، با اسم فرنگی. حالا چه کسی حوصله دارد تحقیق کند این ترشی که نامش یونانی است، دقیقا با همان دستوری درست می‌شود که در یونان هست؟! این صرفاً یک مثال بود برای این که بگوییم در ساخت نهادهای سیاسی غیربومی نیز با همین کژتابی‌ها و پرسش‌ها و ابهام‌ها مواجه هستیم. برای نمونه؛ دولت مدرن از دل شرایط خاص اروپای قرن شانزدهم به بعد شکل گرفته است؛ آیا برای ساخت نهاد دولت در غرب آسیا نیز باید تابع همان دستور کار اروپایی بود؟ آیا می‌توان دولت اروپایی را با ملات ایرانی درست کرد؟ وقتی فرهنگ یک سرزمین، سیر تاریخی متفاوتی داشته باشد، واژگان به‌ظاهر مشترک، معانی متفاوتی را القا خواهند کرد و فرآیندهای متفاوتی را پیش خواهند کشید. این کژتابی در ترجمه‌ی واژه‌های عصر جدید در ایران ما رخ داده و فرآیند نهادسازی در دوران پس از انقلاب اسلامی را متأثر از خود ساخته است.

واژه‌ها، ابزارهای انتقال مفاهیم هستند. وقتی یک ملت قصد دارد معنای جدیدی در جهان بیافریند، ناگزیر باید به تحول در واژه‌ها بیاندیشد و واژه‌سازی و تولید ادبیات جدید را هم‌پای نهادسازی پیش ببرد. انقلاب اسلامی که آغازگر عصر و دوران جدیدی در تاریخ جهان است، راهی جز تحول بنیادین در ادبیات رایج علوم انسانی ندارد. اگر ادعای تحول بنیادین در نگرش نسبت به انسان و روابط اجتماعی در ساحت‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... را داریم، نمی‌توان صرفاً به معادل‌سازی و ترجمه اکتفا کرد و راه جدید را با ادبیات قدیم طی نمود. ترسیم هر افق تازه‌ای، نیازمند واژه‌های تازه و بدیع است.

دانش‌واژه‌ی «دولت»، یکی از آن‌دسته مفاهیم چالش برانگیزی است که مواجهه‌ی ترجمه‌ای

با آن موجب اختلال در فرآیند دولت‌سازی اسلامی شده است. دولت، عالی‌ترین نهاد هر جامعه‌ای است. بسیاری از مناسبات اجتماعی انسان‌ها از مجرای نهاد دولت عبور می‌کنند. شکل‌گیری دولت مدرن، اقتضائات جدیدی را در زندگی انسان‌ها ایجاد کرده است. مراد از دولت مدرن، الگویی از زمام‌داری است که از قرن ۱۶ به بعد در اروپا شکل گرفت. این مفهوم به نظم قانونی یا نظم نهادی غیرشخصی‌ای دلالت می‌کند که واجد توانایی بهتری برای اداره و کنترل یک قلمرو معین است. این الگو از زمام‌داری بر مبنای صورت‌تمایزی از قدرت عمومی استوار گردیده است که هم از فرمان‌بر و هم از فرمان‌روا جدا شده و از طریق ساختارها اعمال می‌شود (ر.ک: هلد، دیوید، ۱۳۸۶، شکل‌گیری دولت مدرن، ترجمه عباس مخبر). انقلاب اسلامی، خیزشی علیه اقتضائات دولت مدرن در سرزمین‌های اسلامی بود. آیا با تغییر بنیادین مطالبه‌شده در انقلاب اسلامی می‌توان به ساختمان دولت مدرن پناه آورد؟ وقتی بنیان ساختمانی فرو می‌ریزد، نیازمند ساخت بنای جدید با مبنای جدید هستیم. بازآفرینی نظریه‌ی دولت در انقلاب اسلامی از آن‌رو ضروری است که ما در انقلاب اسلامی با یک دگرگونی بنیادین در ساخت جامعه مواجهیم، نه صرفاً تغییر کارگزاران ساختمان پاستور. اکتفا به تغییر کارگزاران نظام سیاسی و غفلت از تحول بنیادین در ساختمان قدرت، ناشی از برخورد ترجمه‌ای با مفهوم جدید دولت‌سازی (Statebuilding) است. تبعاً چنین اقدام مهمی نمی‌تواند دفعاتاً صورت بگیرد. واژه‌سازی و تولید ادبیات جدید یک فرآیند تدریجی است. ما برای ساخت دولت مطلوب اسلامی، نیازمند آن هستیم که ضمن توجه به بستر فرهنگی و تاریخی خودمان، دولت مدرن را از کوره‌ی نقد عبور

برداشت پول به اندازه سیب زمینی

■ سبحانی لاری

اگر خاویار هم به فراوانی سیب‌زمینی عرضه می‌شد، قیمت آن از قیمت فعلی‌اش بسیار کم‌تر بود. به همین ترتیب، اگر مقدار پول هم افزایش پیدا کند، قدرت خرید هر واحد پول کاهش می‌یابد و مقدار کالایی هم که با هر واحد پول می‌توان به دست آورد، کمتر می‌شود. افزایش چاپ پول توسط دولت‌ها، موجب کاهش قدرت خرید هر واحد پول و در نتیجه افزایش قیمت‌ها می‌شود. تورم، همین است. تورم زمانی ایجاد می‌شود که تقاضا برای خرید کالاها و محصولات افزایش یابد، اما میزان موجود این کالاها و خدمات در سطح جامعه کم باشد. در واقع، زمانی که فاصله میان قیمت واقعی با قیمت فروش کالاها زیاد شود، در اصطلاح می‌گویند که قیمت‌ها متورم شده است. هرچه این فاصله بیشتر شود، نرخ تورم نیز بیشتر خواهد شد. البته میزان حداقلی تورم نیاز قطعی هر کشوری است، زیرا همین فاصله قیمت‌های متورم شده است که انگیزه تولید را برای تولیدکنندگان فراهم می‌کند، پس درصد اندکی تورم نشان دهنده اقتصاد فعال و حجم تولیدات بالاست به بیان دیگر تورم جز تفکیک ناپذیر فرآیند تولید است، اما یکی از وظایف دولت‌ها توزیع ثروت است. دولت‌ها باید از طریق سیاست‌هایی که اتخاذ می‌کنند مانع توزیع نابرابر ثروت حاصل از تولید شوند لذا مالیات بر تولید می‌تواند قشر ضعیف جامعه را از مواجب تولید بهره‌مند کند. کلیه فعالیت‌های دولت به درآمد و منبع مالی احتیاج دارد که بخشی از آن از طریق صادرات و بخشی از طریق مالیات به دست می‌آید. در واقع سیاست‌های دولت باید به گونه‌ای باشد که تولیدات در کشور به راحتی انجام شود و تولیدکنندگان از شرایط مناسبی برخوردار باشند. چرا که تقویت چرخه تولید علاوه بر پاسخگویی به نیازهای مردم، نیاز به واردات را کاهش می‌دهد و با صادرات برخی کالاها وضعیت اقتصادی بهبود می‌یابد. زمانی که تولید در کشور با مشکلات متعدد مواجه است، نیاز به واردات کالا نیز افزایش می‌یابد. واردات کالا، از راه کشور خارج می‌کند که خود این مسئله باعث کاهش درآمد می‌شود بنابراین تقویت تولید داخلی که به کاهش واردات و افزایش صادرات کمک می‌کند راه حلی است که از کاهش درآمد و کسری بودجه دولت و همچنین تأثیر چاپ پول جلوگیری شود.

ایجاد کند. این امر البته به معنای نفی نهادهای مرسوم نیست؛ کما اینکه اکنون ما همزمان از هر دو نهاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نهاد ارتش جمهوری اسلامی برای دفاع از انقلاب بهره‌مندیم.» نهادسازی مد نظر این نوشتار قطعاً با تعریف اقتصاد موازی متناظر نیست؛ چرا که در نهادسازی آنچه بیش از همه اهمیت دارد، مفهوم‌پردازی، گفتمان‌سازی و نهادینه‌سازی اقتصاد مقاومتی بر اساس اتخاذ یک رویکرد واحد، بلند مدت و فرایندمحور است، بنابراین ایجاد یک نهاد بالا دستی که بتواند بر تمامی شئون اقتصادی کشور برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی نماید، پیشنهاد می‌شود، در حالی که در اقتصاد موازی رویه‌ای دوگانه برداشت می‌شود که تشتت و به هم ریختگی فعلی نظام اقتصادی فعلی جامعه را افزایش می‌دهد. به نظر می‌رسد آنچه می‌تواند تعاریف فوق از اقتصاد مقاومتی را عملیاتی نماید، اتخاذ یک رویکرد نهادگرا نه به معنای نهادگرایی متداول در اقتصاد و علوم سیاسی است، بلکه به معنای ایجاد نهادی است که علاوه بر وجه ترویجی و گفتمان‌ساز بر وجوه اجرایی و عملیاتی آن تأکید شده و در این زمینه پژوهش و برنامه‌ریزی نماید تا مولفه‌ها و ساز و کارهای تحقق اقتصاد مقاومتی در قوانین و برنامه‌های توسعه کشور ورود پیدا کرده و موانع در این زمینه مرتفع شود. (ر.ک: صادقی، عاطفه، ۱۳۹۴، نهادسازی اقتصاد مقاومتی در چشم انداز تمدن نوین اسلامی، ماهنامه معارف، شماره ۱۱۱ (دی و بهمن ۱۳۹۴)). این پاسخ اشتباه خواهد بود، درحالی که ۱ درصد بالا در دهه گذشته شاهد افزایش ۱۸ درصدی درآمد خود بوده‌اند، آنهایی که در وسط قرار دارند در واقع شاهد کاهش درآمد خود بوده‌اند. برای مردانی که فقط مدرک دبیرستان دارند، این کاهش شدیدتر بوده است...»



فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است. یعنی اگر در رویکرد قبلی می‌گفتیم که فلان نهاد نمی‌تواند انتظارات ما را برآورده کند، در رویکرد جدید به دنبال آن هستیم که با بازتعریف سیاست‌های نهادهای موجود، کاری کنیم که انتظارات ما را برآورند. ۲. اقتصاد دفاعی: که متوجه «همه‌شناسی»، «آفندشناسی» و «پدافندشناسی» اقتصاد ما در برابر هجمه دیگران است. یعنی ما باید ابتدا بررسی کنیم که مخالفان ما حمله به اقتصاد ایران و اخلال در آن را چگونه و با چه ابزارهایی صورت می‌دهند. بنابراین وقتی به اقتصاد مقاومتی دست یافته‌ایم که ابزارها و شیوه‌های هجمه دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و بر اساس آنها استراتژی مقاومت خود را علیه آنان تدوین و اجرا کنیم. تعاریف فوق از اقتصاد مقاومتی شامل چند ویژگی است: ۱. اقتصاد مقاومتی ناظر بر رویکردی بلند مدت، کلان و فرایند محور است؛ بنابراین همان‌طور که به مفهوم پردازی و گفتمان‌سازی در راستای ترویج آن نیاز است به برنامه‌ریزی و نهادسازی در راستای اجرای آن نیز نیازمندیم. ۲. اقتصاد مقاومتی یک اقتصاد موازی نیست. دکتر عادل پیغامی در مقاله‌ای اقتصاد مقاومتی را اقتصادی موازی دانسته و چنین توصیف نموده اند: «همان‌طور که انقلاب اسلامی با توجه به نیاز خود به نهادهایی با روحیه و عملکرد انقلابی، اقدام به تأسیس نهادهایی مانند کمیته امداد، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و بنیاد مسکن نمود، امروز نیز بایستی برای تأمین اهداف انقلاب، این پروژه را ادامه داده و تکمیل کند؛ چرا که انقلاب اسلامی به اقتصاد مقاومتی و به نهادسازی‌های مقاومتی در اقتصاد نیاز دارد که چه بسا ماهیتاً از عهده نهادهای رسمی اقتصادی بر نمی‌آید. پس باید نهادهایی موازی برای این کار ویژه

پرونده سیاسی

● نظم نوین جهانی

● وضعیت ایران در این گذر

● جنگ جدید صفین

● سال وقوع ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۱

● ایران و چین، رابطه ای

● مطلوب یا مغضوب؟

● قطعنامه شورای حکام

● آژانس بر علیه ایران

● جنایات و مکافات

● تو طرفدار ملت ایرانی؟

نظم نوین جهانی و وضعیت ایران در این گذر

■ مهراد

نظم بین المللی جهان بعد از جنگ سرد به قطب آمریکا منتقل شد به طوری که آمریکا به عنوان ابر قدرت جهانی معرفی و شناخته شد. ولی حال با توجه به تغییرات سیاسی جهان و بحران های پیش آمده از جمله اوکراین بسیاری از پژوهشگران و سیاست مداران این نظم را در حال تغییر دانستند و اصطلاح نظم جدید جهانی را برای این تغییر نام گذاری کردند.

در نظم قدیم نظام تک قطبی بر اثر قدرت و رابطه بر نقشه سیاسی حاکم بود قطب اصلی آمریکا نام داشت و کشور ها در قبال این قطب دو رفتار داشتند، ۱: اتحاد با تنها ابر قدرت - آمریکا - قبول نظم آمریکایی ۲: عدم اتحاد با تنها ابر قدرت - عدم قبول نظم آمریکایی. تمام رفتار های دولت ها در طول ۳۰ سال گذشته در این قالب، قابل فهم است. با یک محاسبه ساده می توان فهمید که دولت ها در قبال دو یا سه ابر قدرت، انواع رفتار را می توانند داشته باشند پس رفتار دولت ها در نظم دو یا سه قطبی نسبت به تک قطبی از آزادی عمل بیشتری برخوردار است، البته هرچه تعداد قطب های نظام بین الملل بیشتر باشد نظام شبکه ای پیچیده تر و نظم نا امن تر و بی ثبات تر می شود. حال با قدرت گیری روسیه و چین و نزول قدرت قطب آمریکا با تهدید بیشتری مواجه است و به طبع آن بازیگرانی که در نظم قبلی، متحد قطب نبوده و نظم آمریکایی را قبول نکرده اند اکنون با نزول قدرت قطب و افزایش رقیبان آن قطب در نظم جدید از " فرصت" های بیشتری برخوردار اند.

در نظم جدید دولتها دیگر تنها یک ابر قدرت در دنیا ندارند که منافع خودشان را با آن هماهنگ کنند بلکه گزینه های دیگری را برای تامین منافع دارند و اگر در الگوی محاسبه هزینه فایده خود، تحریم ثانویه آمریکا را به نفع تامین منافع خود داشته

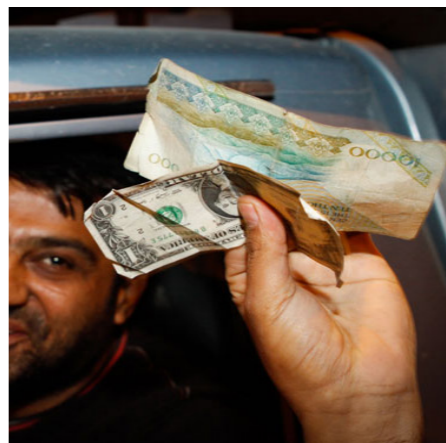
باشند قطعاً آن را دنبال خواهند کرد. حال دیگر ایالت متحده یک قطب قدرت نیست بلکه تنها یکی از ابر قدرت ها است. نوع ساختار در توزیع قدرت و تعداد قطب ها در نظام بین الملل تنها علت وجود انواع رفتار ها در دولت ها نیستند، مسأله دیگری که در زیر مجموعه نوع نظم بین المللی بر رفتار دولت ها تاثیر دارد منطقه است، طبق نظریه مجموعه های امنیتی منطقه ای از مکتب کپنهاگن مناطق از مهم ترین علت نوع رفتار دولت ها هستند. چرا؟ به دلیل این که " جغرافیا" در منطقه داشتن مرز مشترک به علاوه ی الگوی دوستی - دشمنی بازیگران همسایه باهم نوع رفتار دولت ها را مشخص می کند پس دولت ها علاوه بر قطب ها در نظام بین المللی به نسبت میزان و تعداد همسایگان خود و موقعیت جغرافیایی خود در منطقه انواع فرصت و چالش رفتاری دارند. اما الگوی رفتاری ایران نسبت به نظم تک قطبی آمریکایی چگونه بوده است؟ ایران در این وضعیت دو الگوی رفتاری بیشتر نداشت ۱: حل مشکل با آن قطب ۲: مقاومت در برابر آن قطب، که ناچاراً هر دو الگو را پیش گرفت. وضعیت حیات منطقه ایران چالش های خاص خود را داشت ۱- خود منطقه، منطقه ای پر تنش و بحران زا و نا امن بود. ۲- بعد از ۱۱ سپتامبر منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) با جنگ و سقوط دولت ها محل گسترش تروریسم و رقابت های منطقه ای به خصوص جنگ های نیابتی شد. ۳- طرح منطقه ای بزرگ برای تجزیه اکثر کشورهای منطقه ای از جمله ایران پی ریزی شد ۴- از همه مهم تر دور تا دور ایران مورد تهدید امنیتی و نظامی از قطب قرار گرفت. در نهایت ایران در واکنش به تحولات منطقه ای پیرامون خود، برای حفظ امنیت ملی و ایجاد بازدارندگی استراتژی عمق استراتژیک را به کار گرفت و از مرز های خود خارج شد با



خروج تدریجی نیروهای آمریکایی از منطقه (افغانستان، سوریه، عربستان و به زودی عراق) قطعاً تهدیدات امنیتی ایران در مرز هایش از طرف یک ابر قدرت بسیار کاهش می یابد. پس ایران با شرایط جدیدی در منطقه حیات خود رو به رو می شود. در سوریه که پیروز جنگ بودیم و نیروهایمان علی رغم تحلیل ها در سوریه باقی ماندند و حال اکثر کشور ها آماده همکاری با دولت سوریه هستند. در لبنان با این که عربستان، نخست وزیر این کشور را علیه ایران گروگان گرفته است و حزب الله تحریم است حزب الله لبنان قوی ترین و موثرترین بازیگر در این کشور است و همین اواخر صادرات سوخت هم به لبنان انجام شد. در عراق محمد شیاع السوداني نخست وزیر عراق که اخیراً هم به کشورمان سفر داشت و عبداللطیف رشید رییس جمهور عراق به دنبال سیاست های ضد آمریکایی هستند و حشد الشعبی در عراق قوی ترین و مهم ترین نیروی نیروی امنیتی، دفاعی ساز و کار مند است که عراق برای مقابله با تهدیدات امنیتی و دفاعی خود به آن نیاز دارد و این یعنی نیاز و نفوذ بیشتر ایران در عراق. همکاری ایران، پاکستان، چین و روسیه برای تحولات افغانستان در عضویت دائم ایران در سازمان همکاری های شانگهای نیز دیده شد؛ یعنی آزادی عمل ایران در نظم جدید بین المللی از دو نوع رفتار به ۹ رفتار تغییر پیدا کرده است. در نظم جدید بین المللی دولت ها در عین همکاری با هم رقابت کرده و در عین رقابت با هم همکاری می کنند پس در عین وجود فرصت تهدید هم هست و در عین تهدید فرصت! در این شرایط جدید اگر آگاه باشیم فرصت های بسیار زیادی در اختیارمان خواهد بود پس باید از تمامی ابزارها و ظرفیت های موجود به نحو احسن به نفع خودمان استفاده کنیم.

جنگ جدید صفین؛ سال وقوع ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۱ ه.ش

■ اشرف گنجوی



((تاریخ تکرار می شود)) شاید این جمله را بارها و بارها شنیده باشید که می گویند تاریخ تکرار می شود اما در این میان چند سوال پیش می آید آیا به راستی تاریخ تکرار می شود؟ اگر تکرار می شود دلیل این تکرار چیست؟ و چرا مردم رویدادهای تاریخی را مجدداً تکرار می کنند؟ آیا مصادیقی از تکرار تاریخ وجود دارد؟ و...

در پاسخ به این سوال ها باید بگویم بله تکرار می شود و یکی از اصلی ترین مصادیق آن وقوع مجدد جنگ صفین در سال ۱۳۹۴ هجری شمسی است بعد از ۱۴۰۰ سال از وقوع جنگ صفین در زمان حضرت علی علیه السلام مجدداً ما شاهد وقوع جنگ صفین در عصر حاضر هستیم و این از معجزات تاریخ است و تاریخ تکرار می کند و تنبیه می کند مردمی را که تاریخ نمی خوانند و از تاریخ درس نمی گیرند و بصیرت پیدا نمی کنند آنقدر این کار را تاریخ تکرار می کند و تکرار می کند و تکرار می کند تا که بالاخره مردم به خود بیایند و متنبه بشوند. در سال

۳۷هجری قمری جنگی میان جبهه حق ((امیرالمومنین علی علیه السلام)) و جبهه باطل ((معاویه)) شکل گرفت معاویه پس از آن که دیگر توان مقابله در جنگ را نداشت و در حال شکست خوردن بود یک حربه را بکار برد و تزوییر پیشه کرد و دستور داد همه قرآن بر سر نیزه کنند و فریاد سر بدهند که ما مسلمانیم و نباید با هم بجنگیم و با یک عملیات روانی و رسانه‌ای سپاه علی (ع) را متقاعد کرد که با او نجنگند. در سال ۱۳۹۴ هجری شمسی درست در زمانی که ما در یک زایش تمدنی در یک نقطه عطف تاریخی قرار داشتیم و درحال خروج و شکست فشارها و انواع جنگ های رسانه ای و نظامی و اقتصادی و... دشمنان بودیم دقیقاً در زمانی که ما در نزدیکی صعود به قله فناوری هسته‌ای بودیم و دشمن در حال شکست و انزوا بود ناگهان فریاد ما همه انسان هستیم و باید مذاکره کنیم و نباید بجنگیم از سوی دشمن سر داده شد و جبهه باطل این بار هم همان کار را کرد اما این بار ظاهر قضیه را عوض کرد به جای آنکه قرآن بر سر نیزه کند این بار انسان و انسانیت را و اینکه ما همه از یک گونه هستیم و انسانیم را بر سر

نیزه کرد و بخشی از ملت ما را به سمت توقف جنگ و نشستن پای میز مذاکره ترغیب کردند. در سال ۳۷ بعد از آن که رهبر جامعه یعنی حضرت علی علیه السلام دید که این خواست تمام ملت است به این مسئله رضایت داد ولی بد بینی خود نسبت به دشمن و اینکه این مسئله به سرانجام خوشی نخواهد رسید را به مردم گوشزد کرد از مردم خواست که حداقل فردی تیزهوش و عنوان نماینده خود انتخاب کردند و آن شد که نباید می شد نماینده مردم به پای میز مذاکره با چند خوش و بش و خنده با طرف مقابل نرم شد و پذیرفت که اول ایران به تعهدات خود عمل کند و بعد از آن که ایران به تمامی تعهدات عمل کرد طرف مقابل یعنی آمریکا هم به تعهدات خود برای رفع تحریم‌ها و غیره عمل کند و بعد آمد برجام را با فشار در مجلس ظرف ۲۰ دقیقه تصویب کرد و بی تدبیری پیشه کرد و فکر نکردند که ممکن است طرف مقابل خلف وعده کند و دروغ بگوید و زیر حرف خود و تعهدات خود بزنند. عمرو عاص خلف وعده کرد و زیر قرارش با ابوموسی اشعری زد اما دیگر توافق نامه امضا شده بود و هیچ راه بازگشتی وجود نداشت اما این تازه بخش خوب ماجرا بود تازه فتنه ها داشت شروع می شد از اینجا بود که فتنه های بیشتری سر برآوردند و مردمی که آنقدر ضعیف النفس بودند که حاضر نبودند مسئولیت کار خودشان را بپذیرند و حتی در کار اشتباهی که مرتکب شدند شرافت داشته باشند شروع کردند به داد و بیداد و علی (ع) را که رهبر جامعه بود مقصر دانستند و تبدیل شدند به خوار و بر علیه مسلمین و رهبر مسلمین شوریدند. در عصر حاضر ما نیز نمایندگان خود را فرستادیم و آنها فریب خوردند و کشور را در حوزه های مختلف علمی،سیاسی،فرهنگی و اقتصادی سالها به عقب انداختند اما طرف مقابل به وعده‌های خود عمل نکرد و زیر تمامی توافقات و تعهدات زد و حالا عده ای بلند شده و داد می زنند ما مقصر نیستیم ما مقصر از دست رفتن تلاش دانشمندان هسته ای نیستیم ما مقصر وضع اقتصادی که پیش آمده نیستیم و حاضر نیستند که مسئولیت کاری را که کرده‌اند بپذیرند. همان گونه که شاه قاجار با فهم کمی که داشت و به دلیل عدم تدبیرش گفت که از نفت یک ماده بدبو است و آن را دو دستی به بیگانگان تقدیم کرد آیندگان در تاریخ خواهند خواند و ما مردم را سرزنش خواهند کرد که با بی تدبیری انرژی هسته ای را دو دستی تقدیم دشمن کردیم اما وای بر ما اینجا اختیار امر دست ما مردم بود اما در زمان قاجار اختیار عمل در دست یک شاه و ما مقصریم.

قطعنامه شورای حکام آژانس بر علیه ایران

■ رادمرد

روز پنجشنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۱ شورای حکام انرژی اتمی قطعنامه‌ای که جمهوری اسلامی ایران به عدم همکاری با نهاد دیده‌بان هسته‌ای سازمان ملل متهم شده بود را با ۲۶ رأی مثبت و دو رأی منفی به تصویب رساند. در این قطعنامه کلمه دستور به کار برده شده است و همین کلمه «دستور» نقطه تفاوت و اهمیت این قطعنامه با قطعنامه‌های قبلی آژانس است و آن را خطرناک تر می کند. شورای حکام آژانس ایران را به همکاری کامل دعوت کرد. قطعنامه‌ای که با پیشنهاد آمریکا و اروپا در تداوم سیاست فشار حداکثری و اتهام فراقکنی به جمهوری اسلامی پیرامون مسائل پادمانی ارائه شده بود به تصویب شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی رسید. قطعنامه‌ای که ضروری و فوری آن را تلقی می کنند و ایران بدون تأخیر باید توضیحات فنی و موجهی را درباره ادعاهای مطرح شده همچنین امکان دسترسی به سایت‌ها و تجهیزات برای جمع‌آوری نمونه‌ها فراهم کند. در این قطعنامه جدید شورای حکام، فقط روسیه و چین رأی منفی به آن دادند. تروئیکای اروپایی (انگلیس،فرانسه و آلمان) در بیانیه‌ای مدعی شده‌اند که تنش هسته‌ای از سوی جمهوری اسلامی ایران بی‌سابقه و امنیت منطقه و بین‌الملل را تهدید می کند. درصورتی که ایران همیشه پایبندی خود را به آژانس ثابت کرده است. می‌شود این برداشت را داشت که کشور های مذکور با سوءاستفاده از شرایط اخیر و باهدف انگیزه سیاسی بر علیه ایران پیشنهاد تصویب قطعنامه را به شورای حکام دادند. این قطعنامه باعث شد که راه غرب بر ضد ایران را هموار کند و اذهان عمومی و جهان را متوجه شرایط جدید این منطقه نماید. با تحولات سیاسی داخل کشور بعید است کشورهای غربی باتوجه‌به اهمیت وزن انتظارات اجتماعی در کشورهانشان بتوانند به‌راحتی و بدون پرداخت هزینه گزاف با ایران سر میز مذاکره بنشینند و ماجرای پهبادهای ایرانی هم مزید بر علت شده است. پاسخ به این قطعنامه باید بسیار بااحتیاط و هوشمندی و آینده‌بینی دقیق و حتماً متفاوت از قطعنامه قبلی باشد. جمهوری اسلامی ایران نیز ضمن پایبندی به اصل وفای به عهد در اجرای تعهدات بین‌المللی خود، در دفاع از منافع و حقوق کشور و مقابله با فشارها و زیاده‌خواهی‌های آمریکا و کشورهای غربی مصمم و پایدار خواهد بود.

ایران و چین رابطه ای مطلوب یا مغضوب؟

■ خراسانی

را با ایتالیایی‌ها تعریف کنیم و اما اوهم به تعهدات خود عمل نکرد و سپس به آذربایجان سپردیم و او هم پس از به هم خوردن برجام مشابه ایتالیایی‌ها رفتار کرد. و البته که این مورد از دستاوردهای درخشان! دولت اصلاح طلبان بود.حالا دیگر با تجربه هشت سال راهبرد شاید دیگر وقت آن رسیده باشد که قدری آزادانه به منافع ملی کشور و آینده ایران فکر کنیم و چین یکی از بهترین شرکای تجاری خود را در یابیم و مبتنی بر رابطه ای با اصل برد-بورد نه فقط به تعبیر عامیانه برد-خورد بنا کنیم. ۲. رسانه های فارسی زبان غیر ایرانی: چهار شبکه فارسی زبان صدای آمریکا،بی بی سی ،من وتوو ایران اینترنشنال که وابسته به سه دولت علیه ایران فعالیت می کنند،و در رابطه با ارتباط ایران با چین مواضع منفی و تند از خود ابراز کرده اند باید گفت چرا اینها از ارتباط نسبتاً گسترده کشورهای آمریکا ،انگلیس و عربستان سعودی با چین سخنی نمی گویند؟ تنها یک نمونه آن اینکه حجم واردات آمریکا از چین در سال ۲۰۲۱ به بیش از ۵۴۰ میلیارد دلار رسید. بدنیست به تاریخ نگاه کنیم در یک نگاه کلی همیشه حکومت‌هایی که در ایران قطع روابط تهران پکن بوده اند، اما هم‌زمان دوگروه در صدد تخریب راهبرد نگاه به شرق به خصوص چین بوده اند: ۱:اصلاح طلبان:رویکرد افراطی ضد چین در فعالیت های جریان سایبری همفکر اصلاح طلب وجه غالب است. به یاد داشته باشید چین تنها کشوری در جهان بود که شهادت سردار سلیمانی را به طور رسمی به عنوان جنایت جنگی محکوم کرد. و اما در قضیه ساده لوحانه همکاری با یک کمپانی نفتی فرانسوی در ازای توقف همکاری‌ها در حوزه نفتی و گاز با چین که آقایان دولت قبل به راحتی قبول کردند آن کمپانی به ایران آمد چند عکس یادگاری با مدیران نفتی ایران گرفت و در نهایت چه نصیب ایران شد؟ و یا راه آهن رشت-آستارا که مقرر بود با سرمایه گذاری چین جلو برود را پس از امضاء برجام از او گرفتیم و تلاش کردیم آن

را با ایتالیایی‌ها تعریف کنیم و اما اوهم به تعهدات خود عمل نکرد و سپس به آذربایجان سپردیم و او هم پس از به هم خوردن برجام مشابه ایتالیایی‌ها رفتار کرد. و البته که این مورد از دستاوردهای درخشان! دولت اصلاح طلبان بود.حالا دیگر با تجربه هشت سال راهبرد شاید دیگر وقت آن رسیده باشد که قدری آزادانه به منافع ملی کشور و آینده ایران فکر کنیم و چین یکی از بهترین شرکای تجاری خود را در یابیم و مبتنی بر رابطه ای با اصل برد-بورد نه فقط به تعبیر عامیانه برد-خورد بنا کنیم. ۲. رسانه های فارسی زبان غیر ایرانی: چهار شبکه فارسی زبان صدای آمریکا،بی بی سی ،من وتوو ایران اینترنشنال که وابسته به سه دولت علیه ایران فعالیت می کنند،و در رابطه با ارتباط ایران با چین مواضع منفی و تند از خود ابراز کرده اند باید گفت چرا اینها از ارتباط نسبتاً گسترده کشورهای آمریکا ،انگلیس و عربستان سعودی با چین سخنی نمی گویند؟ تنها یک نمونه آن اینکه حجم واردات آمریکا از چین در سال ۲۰۲۱ به بیش از ۵۴۰ میلیارد دلار رسید. بدنیست به تاریخ نگاه کنیم در یک نگاه کلی همیشه حکومت‌هایی که در ایران قطع روابط تهران پکن بوده اند، اما هم‌زمان دوگروه در صدد تخریب راهبرد نگاه به شرق به خصوص چین بوده اند: ۱:اصلاح طلبان:رویکرد افراطی ضد چین در فعالیت های جریان سایبری همفکر اصلاح طلب وجه غالب است. به یاد داشته باشید چین تنها کشوری در جهان بود که شهادت سردار سلیمانی را به طور رسمی به عنوان جنایت جنگی محکوم کرد. و اما در قضیه ساده لوحانه همکاری با یک کمپانی نفتی فرانسوی در ازای توقف همکاری‌ها در حوزه نفتی و گاز با چین که آقایان دولت قبل به راحتی قبول کردند آن کمپانی به ایران آمد چند عکس یادگاری با مدیران نفتی ایران گرفت و در نهایت چه نصیب ایران شد؟ و یا راه آهن رشت-آستارا که مقرر بود با سرمایه گذاری چین جلو برود را پس از امضاء برجام از او گرفتیم و تلاش کردیم آن

جنايات و مكافات

■ اسدی

امروزه مشاهده میکنید به یکی از قدرتهای خاورمیانه تبدیل شده و از اقدامات دشمنان برعلیه خود به راحتی عبور نمیکنند. چند روزی است که اخبار مربوط به مکافات و اقدام نظامی ایران علیه گروه‌های تروریست مسلح تجزیه طلبی که از خاک دولت عراق و اقلیم کردستان عراق برای نقض حاکمیت ایران و نقض امنیت مرزی ایران و سلب امنیت شهروندان ایرانی استفاده و اقدام می‌کنند، در جهان پخش شده و صدای حامیان گروهک‌های تجزیه طلب به خصوص آمریکا، که خود را از حامیان حقوق بشر معرفی میکنند درآورده است، این در حالیست که خود این کشور به افغانستان و عراق حمله و تا چندین سال این کشورها را تحت اشغال ستمگرانه خود درآورده است.

آمریکا به همراه چندین کشور دیگر ایران را به نقض حاکمیت عراق محکوم می‌کنند اما در پاسخ باید بگوییم که اقدام ایران در سرکوب این گروه‌ها پس از آن صورت گرفت که همه مسیرهای قانونی هم در چارچوب دوجانبه و هم سازمان ملل طی شده بود. یادداشت‌های ایران به طرف عراقی متقنی به دولت عراق داده شده بود و توافقاتی با دولت عراق صورت گرفت که حاکمیت خود را توسعه دهد و مناطق مرزی را کنترل کند. توافقات دوجانبه‌ای نیز با مقامات کردستان عراق صورت گرفت که از خاک اقلیم تعرضات علیه ایران صورت نگیرد. اقدام ایران پس از آن صورت گرفت که دولت عراق و اقلیم در انجام تعهداتشان موفق و ملتزم نبودند.

اقدام ایران برای حمایت از امنیت خود و امنیت شهروندانش مشروع، قانونی و مبتنی بر قوانین بین‌المللی است و ایران بارها تاکید کرده است که نسبت به امنیت سرزمینی خود و فعالیت گروه‌های تجزیه طلب در این منطقه

قطعاً تا به الان با ابعاد اغتشاشات اخیر و عوامل و پشت پرده این حوادث بیشتر آشنا شدید.

قطعاً یکی از مهمترین دلایل و عواملی را که می‌توانید به عنوان آتش‌باران معرکه در نظر بیاورید، لیدرهای هستند که از خارج از کشور و گروهک‌های تروریستی تجزیه طلب، تأمین منفعت می‌شوند و راهکارهای عملیاتی می‌گیرند.

گروهک‌های تروریستی که از یک طرف دم از تأمین حقوق مردم می‌زنند و در روی دیگر سکه به جنایت‌های شنیع علیه مردم و کندن پوست سر و بریدن گلوی آنها مشغول هستند.

این اقدامات آنها به قدری درد آور و ناراحت کننده است که محال است شما تاریخ کشورتان را بررسی کرده باشید و در فصل مربوط به وحشی‌گری‌ها علیه مردم ایران، به جنایات آنها برنخورده باشید که قطعاً اگر بخواهیم تک‌تک آنها را مرور کنیم از بررسی همه آنها در این نوشته کوتاه معذور خواهیم بود.

به اختصار می‌توان از فاجعه عشیره منگور و شهادت ۲۳ نفر از مردم کُرد، فاجعه ۲۳ تیر ۵۸ میوان، کشتار زخمی‌ها در بیمارستان‌ها، انفجار بمب و به شهادت رسیدن ۱۲ نفر و مجروحیت شدید ۴۰ نفر به عنوان کوچکترین اقدامات آنها نام برد.

بله، درست متوجه شدید منظور بنده گروهک تجزیه طلب حزب دموکرات کردستان و حزب کومله بود که این اتفاقات تنها گوشه‌ای از جنایت‌های این گروهک‌هایی است که امروزه نقش دایه‌مهربان‌تر از مادر را بازی کرده و شعار آزادی سر میدهند که البته در این روزها هم راحت ننشسته و با حمایت‌های مالی، تسلیحاتی و اطلاعاتی از لیدرهای اغتشاشات و همچنین ایجاد آشوب، سعی در فریب جوانان کشور داشته و به دنبال ریشه کن کردن درخت تنومند نظام جمهوری اسلامی هستند.

اما نکته مهمی که باید به آن اشاره بشود این است که شرایط امروز جمهوری اسلامی ایران با اوضاع سخت و آشفته اول انقلاب از زمین تا آسمان تفاوت دارد و ایرانی که

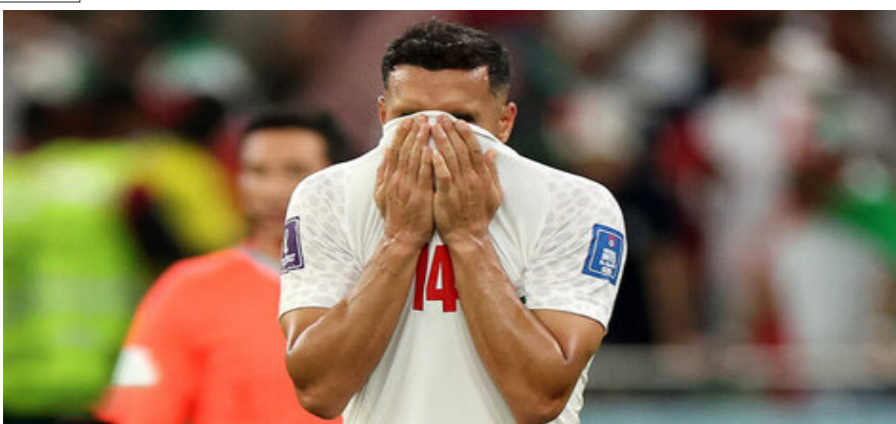
تو طرفدار ملت ایرانی؟

■ ایزدی

- صدای ما را از لابه لای تاریخ می‌شنوید؛ موج اف ام، ردیف ۲/۱۴۰ مگاهرتز:

«تجمع و شادی مردم در تهرانپارس در پی باخت تیم ملی، پخش شیرینی و شکلات پس از شکست تیم ملی مقابل انگلستان، رقص و شادی مردم در زنجان بعد باخت تیم ملی» اینها تیترویدئوهای چندثانیه‌ای بعضی رسانه‌های آن سوی آبی بود، هر چه بیشتر در این تیتروها دقت می‌کنیم، عجیب‌تر بنظر می‌رسند...

می‌گویند این تیم را جمهوری اسلامی به جام جهانی فرستاده، این تیم که نماینده مردم نیست! اینها با بهمان مسئول و فلان کاره دیدار کرده‌اند، آنها به مردم خیانت کرده‌اند! بیاییم دفتر تاریخ همین مرز و بوم را ورق بزنیم؛ یک سال قبل از انقلاب بود که محمد رضا پهلوی، بازیکنان تیم فوتبال رابدرقه کرد، تک‌تک به شاهنشاه دست میدادند، بعضی‌ها تا کمر خم می‌شدند و بوسه بر دستش می‌زدند. درست یک سال قبل از انقلاب! یعنی درست در اوج اعتراضات و شکل‌گیری انقلاب. آن زمان کسی برای باختشان دعا نکرد، شکلات پخش نکرد، رقص و پایکوبی نکرد که هیچ، مردم با جان و دل از آنها حمایت کردند! صحبت‌هایی که از زبان مردم شنیده می‌شد اینگونه بود که: «خب این تیم، نماد کشور ایران است! انقلابی و غیر انقلابی ندارد، همه از یک ریشه ایم...». اما وقتی نگاهی به صفحات امروزی تاریخ می‌اندازیم؛ دیگر خبری از این حرفها نیست! یک عده از همه جوانب به بازیکنان تیم ملی، فشار روانی وارد می‌کنند، از طرق مختلف در شبکه‌های اجتماعی به آنها فحاشی می‌کنند، روی آنها برچسب وطن فروش و بی‌شرف می‌زنند. ازطرفی دیگر بعضی بازیکنان پیشکسوت تیم ملی هم پشت این عده درآمده و این آتش را شعله‌ورتر می‌کنند و خلاصه حرفشان این است که «پشت مردم ایران باشید!».

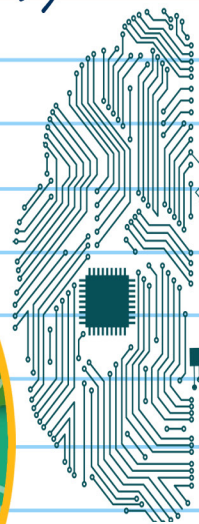


سوال اینجاست که تعریفشان از «مردم ایران»، دقیقاً چه کسانی است؟ همان کاخ‌نشینان پشت مرزها که دردشان نه درد اقتصاد است و نه آزادی؟ یا مردمانی که سالهاست پای خوب و بد کشورشان دلیرانه و شجاعانه ایستاده‌اند و از پس همین وطن دوستی غیرتمندانه برای آبادانی کشورشان تلاش می‌کنند؟ آیا واقعا این مردم از باخت تیم کشورشان خوشحال می‌شوند؟! حقیقت این است که مردم ایران با مردمی که این عده در خیال دارند، تفاوتشان از زمین تا آسمان است. مردم ایران به خوبی آگاه هستند که پرچم و تیم ملی نمادی از وطن است! خود را از وطن جدا نمی‌کنند، از دیویست هزار لاله سرخشان جدانمی‌کنند! خلاصه بگوییم، مردم واقعی ایران می‌دانند که تیم ملی ما درواقع نماینده وطن است. پرچم که نباشد، نماد وطن نیست، وطن هم نباشد هویت نیست! مردمانی که هویت نداشته باشند، دیگروطنی نمی‌مانند... القصه، داستان همینجا تمام نمی‌شود، چند روز بعد، درست برخلاف چیزی که این عده به انتظارش نشسته بودند، تیم ملی ایران یک برد شیرین را رقم زد، «مردم ایران» بعد از دقایقی چند، به خیابان‌ها آمدند و به شادی پرداختند. اما پشت مرز نشینان موضع‌شان را تغییر دادند و گفتند: «اوایلا شادی می‌کنید؟ اما داغداریم، ما عزاداریم، غبار غم را بر روی این کشور نمی‌بینید؟ کسی حق ندارد شاد باشد، کسی نباید لبخند بزند». باری، این عده شدند دایه‌مهربانتر از مادر! و دوباره هجمه‌های جدیدشان را از سر گرفتند. آنهایی که دیروز می‌رقصیدند و می‌خندیدند، امروز داغدار شدند! به مردمی که درکنار جوانان مدافع امنیتشان غرق در سرور بودند، تا توانستند تاختند و تاختند. هرچه خواستند توهین کردند، ولی واقعیت چیزی که آنها می‌خواستند و روایت می‌کردند نبود. خیابان‌ها پر شد از پرچم سه‌رنگ ایران و لبخند

زیبای ایرانیان. وطن‌فروسانی که امروز به این آب و خاک می‌تازند، فقط مختص به این روزها نیستند، پیشینه‌ای طولانی دارند، همان‌هایی هستند که عملیات کربلای ۴ را لو دادند، سرباز وطن را به بهای شرفشان فروختند و... یا اصلاً برویم خیلی عقب‌تر؛ همان‌هایی که به چنگیزخان مغول بهانه دادند تا به ایران حمله کند، همان‌هایی که دروازه‌های شهر را برای ورود اسکندر مقدونی باز کردند و در عوض سکه دریافت کردند... اما در نهایت ایران استوار ماند و به یاری خدا خواهد ماند. مردم باشرف ایران، غلم این حکومت را به دست صاحب اصلی اش می‌سپارند و تنها چیزی که از این عده می‌ماند «ننگ مزدوری و وطن‌فروشی» است. «فرصت دیگری که درست شد، چهره‌ی صحنه گردانها روشن شد. صحنه‌گردانها خودشان را طرفدار «ملت ایران» وانمود می‌کنند اما با همه‌ی خواسته‌ها و عقاید و مقدسات ملت ایران دشمنی کردند؛ با اسلام دشمنی کردند، مسجد سوزاندند، قرآن سوزاندند؛ با ایران دشمنی کردند، پرچم ایران را سوزاندند، به ایران بی‌احترامی کردند؛ چهره‌های اینها روشن شد. ادعا می‌کنند طرفدار ملت ایرانند، خب ملت ایران، ملت مسلمان است، ملت قرآن است، ملت امام حسین است. تو به امام حسین اهانت می‌کنی، بد دهنی می‌کنی، بی‌حیائی می‌کنی، تو طرفدار ملت ایرانی؟ به اربعین اهانت می‌کنی، به راهپیمایی میلیونی اربعین اهانت می‌کنی، تو طرفدار ملت ایرانی؟ خب، چهره‌ی صحنه گردانان واقعی این اغتشاش هم روشن شد. بنابراین یکی از مطالبی که در این مسئله‌ی این اغتشاشها می‌توان گفت، این است که ملت ایران از این تهدید، فرصتهای متعددی برای خودش درست کرد.»

(بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع مردم اصفهان)

من می‌خواهم غالب یا بیش از غالب بدنه دانشجویی کشور، مجموعه‌ای متعهد و دارای احساس مسؤولیت نسبت به آرمانهای دانشجویی باشند. یکی از این آرمانها مآله علم است؛ رومی عدالتخواهی است و آرمان سوم، آزاداندیشی و آزادیخواهی است. ۱۳۸۲/۰۸/۱۵



بنویسید هتل بخوانید کوه خواری

طبق قرارداد اجاره به شرط تملیک زمین بام کرمان، تنها برای ایجاد هتل در اختیار شهرداری قرار گرفته است و شهرداری کرمان هیچ گونه امکانی برای تغییر کاربری نداشته و در آینده نیز نخواهد داشت. اما در قرارداد مشارکت با موسسه ملل شهرداری برای پروژه قسمت های تجاری، ورزشی، تفریحی، خدمات عمومی در نظر گرفته و مساحت هر یک از کاربر ها را نیز مشخص کرده است.

هفته بسیج دانشجویی دانشگاه شهید باهنر کرمان

نشست با مسئولین

تقدیر و بررسی عملکرد دستگاه قضایی و انتظامی در حوادث اخیر

با حضور: **حجت الاسلام والمسلمین حمیدی راوری** رئیس کل دادگستری استان

پرسش و پاسخ دانشجویی به همراه وی

دوشنبه ۷ آذر ماه ساعت ۱۳

تالار وحدت دانشگاه

کارپلاد

در مسیر پیشرفت ۱

سری همایش آشنایی با مجموعه های دانش بنیان

د عرب نژاد

دنده کار کرمان

مناظره ۲

نامزدهای انتخابات ششمین دوره شورای شهر

احمد حسن زاده | محمد امینی زاده | منصور ایرانیان | فتح الله مویندی

زمان: **چهارشنبه ۱۲ خرداد ساعت ۱۷**

مکان: **تالار حافظ، دانشگاه**

نش زنده از طریق صفحه: **live**

میزگرد

اعتراض؛ حق مردم یا ضد امنیت؟

آقای محمد حسن مولا | آقای محمد امینی زاده

سه شنبه ۲ آبان ساعت ۱۹

نش زنده از طریق صفحه: **@hooshyar.media**

